



هم کلاسی  
[Hamkelasi.ir](http://Hamkelasi.ir)

# گام به گام نگارش دهم

---

درس سوم

### پرسش‌ها:

- زعفران چیست؟ بند 1
- چه رنگی است؟ بند 4
- چه طعمی دارد؟ بند 4
- چه بویی دارد؟
- شیوه کشت آن چگونه است؟
- کاربرد آن چیست؟
- چرا زعفران با طلا برابری می‌کند؟ بند 2
- زعفران چگونه بسته‌بندی می‌شود؟
- آیا نوع بسته‌بندی زعفران اهمیت خاصی دارد؟
- هزینه کشت زعفران چقدر است؟
- آیا کشت زعفران، کارکرد اقتصادی دارد؟ بند 2
- آیا زعفران از مواد ضروری در تهیه خوراکی هاست؟
- زعفران، چه خاصیت‌هایی دارد؟ بند 4

### گزینه‌ش و سازماندهی پرسش‌ها:

- زعفران چیست؟
- کاربرد زعفران چیست؟
- شیوه کشت آن چگونه است؟
- چه رنگی است؟ طعمی و بویی دارد؟
- آیا کشت آن توجیه اقتصادی دارد؟
- چرا زعفران با طلا برابری میکند؟



### پرسش‌ها:

- کیک زرد چیست؟
- کیک زرد چگونه تهیه میشود؟
- چند درصد پودر سنگ معدن اورانیوم کیک میشود؟
- چرا پودر سنگ معدن اورانیوم را کیک زرد مینامند؟
- چه کشورهایی کیک زرد تولید میکنند؟
- کیک زرد با چه ارتباطی **هلبا** همب اتم دارد؟

- 
- کیک زرد چیست؟
- کیک زرد چگونه تهیه میشود؟
- چند درصد پودر سنگ معدن اورانیوم کیک میشود؟
- چرا پودر سنگ معدن اورانیوم را کیک زرد مینامند؟
- چه کشورهایی کیک زرد تولید میکنند؟

کیک زرد چه ارتباطی با همب اتم دارد؟



## شعر گردانی

شعر زیر را بخوانید، درک و دریافت خود را بنویسید.

ایستاده‌ام،

ایستاده‌ای،

ایستاده‌ایم،

جنگلیم؛

تن به صدلی شدن تداده‌ایم.

غلامرضا بکتاش

### بازگردانی و بازپروری

در برابر هرچه به ضرر من باشد ایستاده ام  
در برابر هرچه براتو ضرر و تهدیدی باشد می ایستی  
همه ما در برابر ظمی که ما میشود و مارا تهدید میکند می ایستیم  
با اتحاد و ایستادگی ما در کنار هم همانند جنگل می‌شویم... و تن به ذلت نمیدهیم

۱ موضوعی را انتخاب کنید و با شیوه پرسش‌سازی و پاسخ‌سازی، متن عینی بنویسید.

## قالی

موضوع:

### مرحله اول: طرح پرسش‌های گوناگون

چرا مردم ایران خانه‌های خود را با قالی تزیین می‌کنند؟

نخ‌های قالی چگونه رنگ آمیزی می‌شوند؟

آیا قالی‌ها هم می‌توانند پرواز کنند؟

چرا قالی باف‌ها از نقشه استفاده می‌کنند؟

آیا می‌توان تصاویر قالی شکارگاه را به صورت داستان نوشت؟

قالی چیست؟

چگونه می‌توان احساس بافنده قالی را درک کرد؟

بزرگ‌ترین آرزوی قالی‌ها چیست؟

نقشه‌های متنوع قالی ایرانی نشانگر چیست؟

مهد قالی جهان کجاست؟

عبارت هر کس قالی زندگی خود را می‌بافد، یعنی چه؟

قالی بافی چه تأثیری بر اقتصاد خانواده‌ها دارد؟

مرحله دوم: شناسایی و جدا کردن پرسش‌های همینی

نخ‌های قالی چگونه رنگ آمیزی می‌شوند؟

چرا قالی باف‌ها از نقشه استفاده می‌کنند؟

قالی چیست؟

مهد قالی جهان کجاست؟

قالی بافی چه تأثیری بر اقتصاد خانواده‌ها دارد؟

بقیه پرسش‌ها ذهنی هستند.

۴۵

### مرحله سوم: گزینش و سازماندهی پرسش‌ها

با پاسخ به این پرسش‌ها طرح اولیه متن شکل می‌گیرد.

سپس پاسخ‌ها را سازماندهی می‌کنیم.

آن زمان ها.. هر وقت که برف می بارید مادر بزرگ می گفت :

یکی بود یکی نبود  
زیر گنبد کبود.. تنه سرما سوت و کور و بی صدا  
پشت برای سیاه نشسته بود  
تنه سرما چالاقو .. بد ادای غرغر و  
دشکش ابر سیاه، لحافش ابر سفید .

همیشه دلم می رفت برای این شعر.. انگار دلمان را از اولین شب زمستون.. تا خود بهار گرم میکرد، دیگر سرما حالمان نبود  
که ...

مادر بزرگ همیشه می گفت :

تنه سرما از روزی که تاج و تخت پادشاهیشو میسپارده دست شو نوروز.. سرازه میفتد تو کوچه ها، خیابونکا.. و پنج می کنه همه اشک  
و اه و غصه ها رو..

همه رو جمع میکنه.. تو پنجه اش انبار می کنه

دویستو هفتادو چهار روز.. من کرده y من کرده ..

بعد می ره اون بالا بالاها، بالای قلعه تاج .. قدمشو بر می داره همه اشکامو تو رنگ میزنه  
تا اینکه.. تو روز دویستو هفتادو "پنج" میره خونه ی خودش..

تو تولد دخترش.. "یلدا" واسه بیدار کردنش.. همه دونه بر دارو.. می ریزه روی سرش..

همه ی برفام از اون بالا.. می ریزه رو سرما ..

از اون طرف مگه.. این خوشی.. جوانب.. خانم علیبدار.. همیشه.. هرچی.. تنه سرما میگفتند.. دختر.. پشوو.. همه منتظر.. تو این..!  
یلدا همش میگه: به دقیقه.. فقط به دقیقه دیگه بخوابم ..

همیشه هم.. آخر سر.. به دقیقه ای دیر میکنه .

مادر بزرگ شب یلدا میگه: ببینم به موقع گریه کنیا.. تنه سرما نیست.. اون بالا هست

اگر تو گریه کنی کی میاد اشکو غصه تو جمع کنه.. همشون قنبار میشن تو دلت ها.. گریه نکنی!

باشو بیا از پنجره بیرونو ببین.. آسمون رو ببین.. چشمت خیره.. چون داره از من غصه میاره..  
به موقع نری بیرون.. غصه می باره رو سرت.. گوش نکن که میگن نری بیرون سرما میخوری.. نه عزیز!

تو نرو غصه نریزه رو سرت..

بذار غصه آب بشه بره تو.. خا که

خاک آه و غصه شو بکنه بیرون.. بعد یزارتش روی په تیگه برگ بفرستش رو زمین .

همیشه قصه مادر بزرگ.. قابل باور.. تر از جراتای بی سرو.. که خانم معلمی بود.. که می گفت:

خورشید آب های جاری را در آسمان میبرد باز توده هوای سرده رهشان می کند.. و بعد خیلی سرده و زمخت میان پایین.. همین!  
شما بشید باور میکنید.. اینها دیگر بچه آدم هاین هستند که تنه سرما را نمی شناسند .

آخر مگر در عکرمی گنجد که آفتاب زور داشته باشده آتیمه آب را با خود به آسمان برده??

اصلا آدمیم و منشان اجازه داد که قبول کنیم آنها را آفتاب بالا می برده.. خوب اگر رفتند بالا چرا دیگر پایین می آیند..??

هر چه من گفتم این پر فاشکنند.. خنده رنگشان کرده معلم با اخم نگاهم میکرد!

هر چه میگفتم اشک هارا میریزد رو سر یلدا تا ییلداش کنه.. معلم میگفت: چی میگی تو بچه.. یلدا کیه??

و دست آخر هم برای پایان دادن به بحثه با یک سفر.. کله کنده تمام اعتقادات من را زیر سوال میره..

و یا من هرگز نفهمیدم چرا آن روزی که از آسمان غصه می بارید.. و من در خیابان منتظر مادر بودم.. وقتی آن همه غصه در  
دلم قنبار شده بود.. مادر گفت: سرما خوردی!

من کی سرما را خوردم که خودم خیر نداشتم!

هر چه به مادر گفتم: ای بابا.. تنه خانم.. من سرما نخوردم.. من غصه تو دلم قنبار شد..

می گفت: بچه این حرف های ظلمیه سلفیه چیه تو میگی.. شب داری هلدیون می باخیا ..

خب اینهم ماجرای ما نیست دیگر.. چه کنیم??

ولی بگویم... من اگر معلم نوم، روزی که درسمان از برف و باران است.. به بچه ها می گویم کتاب هایمان را ببندید.. اینها همه  
دروغ اند.. فقط بدانید که ..

یکی بود یکی

نیو!

زیر گنبد کبود

تنه سرما سوت و کور و بی صدا

پشت برای سیاه

روی بوم آسمون..

نشسته بود!